

۱۳۸۹-۰۵-۰۴

موریا نه‌ها عجیب رشد کرده‌اند...

روایت و انتخاب عکس‌ها: محبت محسنی

www.ketab.ir



سرشناسه	: محبی، محبت، ۱۳۵۷ -
عنوان و نام پدیدآور	: موریانه‌ها عجیب رشد کرده‌اند/روایت و انتخاب عکس‌ها محبت محبی.
مشخصات نشر	: تهران : کتاب پرگار، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری	: ۱۲۸ ص.: مصور (رنگی)؛ ۱۴/۵×۲۱/۵ س.م.
شابک	: 978-600-97084-7-5
وضعیت فهرست نویسی	: فیا
تیم	: عکس‌ها - مجموعه‌ها
موضوع	: Photograph collections
موضوع	: داستان‌های کوتاه فارسی - قرن ۱۴
موضوع	: Short stories, Persian -- 20th century
رده بندی کنگ	: N۴۰۰۰/م۳م۸ ۱۳۹۵
رده بندی دی	: ۰۲۶/۰۰۰۲۵
شماره کتابخانه	: ۴۵۲۵۶۸۷



موریانه‌ها عجیب رشد کرده‌اند

محبت محبی

ناشر: کتاب پرگار

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

صفحه‌آرایی: کتاب پرگار

مدیر تولید: آرش کمالی

طراحی جلد: هامد جابرها

نوبت چاپ: اول / زمستان ۹۵

شابک: 978-600-97084-7-5

تمامی حقوق این اثر متعلق به کتاب پرگار می‌باشد.

فهرست

پایان‌های خوب / ۷

خراب شده / ۲۷

لابستر با سس قارچ / ۳۵

دستِ خدا / ۴۵

سری فیبوناچی / ۵۷

در: هشتم / ۶۷

ن و بخ / ۸۵

موریانه‌ها عجب کار کرده‌اند... / ۹۵

هندس‌ن برف / ۱۰۵

شعرها و آدم‌ها / ۱۱۵

به خدای مهر و سکوت

شنیدن آغاز بود. شنیدن قصه. مادر و پدر بودند و من و قصه و بیش از همه کیهان بچه‌ها که همراه می‌شدم با شاپرکش به لطف ایشان.

و چهار سالگی آغاز دیگری بود. آغاز خواندن. حتی گریستن با کوزت و بعدها نوشتن. وقتی کلمه می‌آمد، حتی در لابلای سطرهای قصه‌ها.

من و کلمه ناگزیر از هم بودیم، در همه راه‌های ادامه. در راه کوتاه دبستان از خوب روزهای سرشار از دغدغه‌ی دانشگاه. چه آن سو و چه این سو.

و آن‌گاه تصویر؛ از ریش قرمز در میانه‌های دهه شصت در من نشست و در هوای هامون یازده سالگی مرا مسحور خویش کرد و همچنان دامنه دارد سرانگیزی را بر من؛ حالا که ثابت شده است برایم در قاب‌ها.

و در هر آنجا که می‌رویم عاشقانه‌هایم. در هم آمیختند عاشقانه‌هایم را اساتیدی که از آنها آموخته‌ام. بسیار در وادی‌های گوناگون؛ آقایان مجید سیف‌العلمایی، علی حمیدی، مهدی رضائیه، مصطفی هنرور و حمیدرضا گیلانی فر.

و اینک پس از همراهی با کلاس و تصویر، اینجا هستم. در دیباچه روایتی. از بزرگواران عکاسی که با مهر، نشان من برای عکس‌هایشان را پذیرفتند، بسیار سپاسگزارم. آقایان کوروش، محمدرضا وریخس و خانم نیوشا توکلیان چه مهربان و نیکو همراه این مسیر بودند.

آقایان سیدمجتبی خاتمی، مهدی فاضل و امید سبحانی، دانش و تجربه خود را سخاوت‌مندانه بدرقه‌ی راه این روایت کردند و راوی سکوت را برمی‌گزیند در برابر آنها...

و از آقای محسن بایرام نژادگران قدر و انرژی‌ای که مثل ایشانشان چگونه باید گفت؟ حالا باور دارم جهان برای زیستن جای خالی است، جای خیلی خوبی است.

متانت محبی، همراهم بوده است. من را شنیده است و خوانده است. دیده است و راه را نشانم داده است، دوست خوب من.

و این سطرهای سپید برای قدردانی از هستی‌آبی مادر و پدر، ملاحظه عزیز و متانت نازنین:

و حرف اول و آخر اینکه:

این همه گفتیم لیک اندر بسیج

بی‌عنایات خدا هیچیم هیچ

محبت محبی